

کاربرد نتایج سرشماری‌های عمومی در بررسی ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی ایران

حسن سرایی*

محمدحسین بحرانی☆

سرشماری‌های عمومی آمارها و اطلاعات گوناگونی عرضه می‌کنند که می‌توان از آن‌ها در پژوهش‌های جامعه‌شناختی بهره گرفت. این مقاله در پی آن است که با استفاده از جداول «وضع شغلی» و «گروه‌های عمده شغلی» در نشریات سرشماری‌های عمومی ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی ایران را بررسی کند.

در این تحقیق، پس از مروری بر نظریه‌های قشربندی اجتماعی، چارچوبی نظری به عنوان فضای اجتماعی ایران براساس سه بعد: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی-فرهنگی و سرمایه سیاسی پیشنهاد شد. عاملان اجتماعی برحسب سرجمع این سرمایه‌ها مکانی در این فضا اشغال می‌کنند، و افراد و گروه‌هایی که در آن فضا موقعیت یکسانی دارند قشرهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

با ترکیب دو جدول یادشده و استفاده از ویژگی‌های این فضای اجتماعی، قشرهای بالا، متوسط سنتی، متوسط جدید و پایین و نسبت هر کدام در کل شاغلان در سرشماری‌های پنج‌گانه مشخص شد. مقایسه نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تحولات کمی و کیفی چشمگیری در ساختار قشربندی اجتماعی کشور در این دوره زمانی رخ داده است.

واژگان کلیدی: قشر، قشربندی اجتماعی، فضای اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی-فرهنگی، سرمایه سیاسی.

مقدمه

ورود ایران به نظام جهانی در سده‌ی نوزدهم میلادی با تغییر و تحولاتی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه بود. از جمله این تحولات، گسترش بازرگانی خارجی، تشکیل تجارتخانه‌های بین‌المللی و ارتباط آن‌ها با کشورهای اروپایی و روسیه و هند، مهاجرت و رفت و آمد گروه‌های مختلف ایرانی به کشورهای همسایه و دوردست برای تجارت یا یافتن کار و یا تحصیل در رشته‌های علمی و فنی و آشنایی آنان با جوامع صنعتی غرب، ورود برخی از صنایع و همچنین دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی انقلاب صنعتی به کشور و تحول در روش‌های تولید و مصرف بود که همگی گرایش به سوی نوگرایی در عرصه‌های مختلف اجتماعی را در پی داشت.

دوره‌ی حکومت پهلوی اول دوره‌ی گرایش رسمی به سوی عرفی‌شدن، غربی‌شدن و آغاز اقدام متمرکز و «از بالا» برای دستیابی به مدرنیزاسیون بود. جای گرفتن کامل کشور در حیطه نظام جهانی سرمایه‌داری و در نتیجه غالب شدن تدریجی وجه تولید سرمایه‌داری بر کشور، ایجاد حکومت مرکزی و ارتش نوین یکپارچه، توسعه سرمایه‌داری دولتی، اهمیت یافتن تدریجی نقش نفت در تأمین مازاد اقتصادی کشور و درآمد دولت، ایجاد مؤسسات تمدنی و بنگاه‌های بازرگانی و صنعتی و خدماتی جدید، توسعه نظام آموزشی و همراه با این اقدامات، گسترش و سازمان‌یابی دیوان‌سالاری متمرکز، به تحول ساختار اجتماعی کشور و مهم‌تر از همه به تغییر و تحول در ساختار قشربندی اجتماعی ایران انجامید. این فرایند به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و از برکناری پهلوی اول تا انقلاب اسلامی و پس از آن تاکنون ادامه داشته و گمان می‌رود که میان تحولات گوناگون اقتصادی-اجتماعی و تغییرات قشربندی اجتماعی، ارتباطی دوسویه برقرار بوده است.

مطالعه قشربندی اجتماعی به عنوان یکی از نتایج تحولات اقتصادی-اجتماعی و همچنین عاملی مؤثر در این تحولات، همواره موردعلاقه‌ی بسیاری از پژوهشگران اجتماعی بوده است که با مبانی نظری و روش‌های گوناگون کمی و کیفی، تاریخی و تطبیقی به مطالعه این پدیده اجتماعی پرداخته‌اند. در این مقاله بر آنیم که ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ را از راه بررسی آماری نشان دهیم.

یکی از دشواری‌های پژوهش در علوم اجتماعی، گردآوری داده‌های قابل اطمینان است. در بسیاری از پژوهش‌ها این کار با تهیه و پرکردن پرسشنامه صورت می‌گیرد. اما دشواری دستیابی به یک نمونه نمایا^۱، تعمیم‌پذیری دستامدهای تحقیق را ناممکن می‌کنند. بهره بردن از نتایج

1. Representative sample

سرشماری‌های عمومی یکی از بهترین راه‌حل‌های این مشکل است. سرشماری‌های انجام شده در ایران با وجود برخی از نارسایی‌ها و احتمالاً بی‌دقتی‌ها، هم کل کشور را زیر پوشش قرار داده‌اند و پژوهشگران را از نمونه‌گیری بی‌نیاز می‌کنند و هم دارای اطلاعات و آمارهایی در زمینه‌های گوناگون‌اند که نیاز پژوهش‌های فراوانی را برآورده می‌کنند.

در دورهٔ چهار ساله ۱۳۳۵-۱۳۷۵ پنج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران انجام شده است. در نتایج ارائه شده در این سرشماری‌ها جداولی با عنوان «وضعیت شغلی» و «گروه‌های عمدهٔ شغلی» گنجانیده شده است که از ترکیب آن‌ها برای بررسی ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی ایران بهره گرفته می‌شود.

مبانی و چارچوب نظری

دیدگاه‌ها و روش‌های قشربندی: اصطلاح قشربندی در جامعه‌شناسی معمولاً برای مطالعهٔ نابرابری ساخت یافته اجتماعی به کار می‌رود؛ یعنی هر نابرابری سیستماتیک میان گروه‌های اجتماعی که به صورت پیامد پیش‌بینی نشدهٔ روندها و روابط اجتماعی بروز می‌کند. (مارشال^۱ ۱۹۹۸: ۴۴-۶۴۳).

دیدگاه‌های مختلف، جامعه را برحسب ثروت، میزان درآمد، تحصیلات، شغل - منزلت یا پایگاه شغلی - قدرت، یا ترکیبی از آن‌ها یا برحسب نقش آن‌ها در سازمان اجتماعی تولید و مالکیت بر وسایل تولید قشربندی می‌کنند. (کوپر^۲ و کوپر^۳ ۱۹۹۹: ۸۴۶).

در یک تقسیم‌بندی کلی نظریه‌های نابرابری، قشربندی و طبقات اجتماعی را می‌توان در دو دسته جای داد: دیدگاه‌هایی که نابرابری و قشربندی را در جامعه ضروری، دارای کارکرد و یا دست‌کم گریزناپذیر می‌دانند و دیدگاه‌هایی که نابرابری و طبقاتی شدن جامعه را عَرَضی می‌دانند و با آن برخورد انتقادی دارند. دیدگاه سومی هم با نام نظریات بینابینی و التقاطی مطرح است که به عقیدهٔ گرهارد لنسکی^۳ نتیجهٔ کاربرد روش علمی نوین در مطالعهٔ مسئلهٔ کهنهٔ نابرابری‌های اجتماعی است. اما دیدگاه‌های نوع سوم نیز نهایتاً به یکی از دو دستهٔ پیشین - و بیشتر به دستهٔ نخست - می‌پیوندند (ادیبی ۱۳۵۴: ۱۸۴-۱۸۷).

نزد دورکیم که می‌توان او را الهام بخش متفکران گروه نخست دانست، آنچه باعث نابرابری در جامعهٔ انسانی است چیزی نیست مگر تقسیم کار و این امری ضروری و عام است. نابرابری اجتماعی هنگامی برای جامعه مشکل می‌آفریند که جامعه دچار تقسیم کار نابه‌سامان (آتومیک)

1. Marshal

2. Kupper

3. Gerhard Lensky

و یا تقسیم کار اجباری شود. در تقسیم کار نابه‌سامان «تخاصم میان کار و سرمایه، مورد مثال بارز [ی]... است (دورکیم^۱ ۱۳۸۱: ۳۱۴؛ نیسبت^۲ ۱۹۷۴: ۱۲۸-۱۵۶).

کارکردگرایان ساختاری بر آنند که جوامع نه به چندطبقه بزرگ بلکه به قشرهای کوچک حرفه‌ای گوناگون تقسیم می‌شوند. آن‌ها تأکید می‌کنند که این قشرها به واسطه تقسیم کار به هم وابسته‌اند، ولی بر پایه معیارهای مختلفی چون منزلت، پایگاه اجتماعی و درآمد از یکدیگر منفک می‌شوند (آبراهامیان ۱۳۷۹: ۸). به نظر پارسونز^۳ و دیویس^۴ و مور^۵، یکی از صفت‌های ذاتی جوامع وجود نابرابری است. قشربندی از جنبه‌های جهانی و همیشگی زندگی اجتماعی است و در تمام جوامع وجود داشته است (گرب^۶ ۱۳۷۳: ۱۳۷).

دسته دوم، از میان کلاسیک‌ها مارکس و سپس اندیشمندانی چون گرامشی^۷، آلتوسر^۸ و پولانتزاس^۹ را شامل می‌شود. در دیدگاه مارکس، بنیان طبقات اجتماعی (عنوانی که او برای قشربندی جامعه به کار می‌برد) بر نقشی استوار است که در تولید و توزیع اموال اقتصادی بازی می‌کنند. همین نقش سطح زندگی، آگاهی طبقاتی، ایدئولوژی، فرهنگ و جهت‌های سیاسی و دیگر جنبه‌های طبقات اجتماعی را تعیین می‌کند (مارکس^{۱۰} و انگلس^{۱۱} ۱۳۸۰: ۳۵۸). همه افرادی که در نظام تولید و نسبت به ابزار تولید موقعیت یکسانی دارند «طبقه در خود» یا طبقه بالقوه را می‌سازند و هنگامی که این «طبقه در خود» آگاهی به دست بیاورد و وارد مبارزه برای قدرت شود، تبدیل به «طبقه برای خود» می‌شود (ادیبی پیشین: ۱۷۳؛ مارکس ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۸۲). مارکس در برخی از آثارش از طبقاتی چون اشراف زمیندار، بورژوازی، خرده‌بورژوازی، دهقانان آزاد، دهقانان وابسته به زمین، کارگران صنعتی و کشاورزی نام برده است (گورویچ^{۱۲} ۱۳۵۷: ۴۷-۴۸). این طبقه‌بندی، چنان‌که گفته شد، بر پایه نقش و موقعیت فرد در سازمان اقتصادی جامعه صورت گرفته است.

ماکس وبر^{۱۳} و آنتونی گیدنز^{۱۴} چهره‌های شاخص دیدگاه بینابینی هستند. مسئله اصلی وبر در قشربندی اجتماعی «قدرت» است. طبقات، گروه‌های منزلت و احزاب، پدیده‌های توزیع

1. Durkheim
3. Parsons
5. Moor
7. Gramchy
9. Polantzas
11. Engels
13. Max Weber

2. Nisbet
4. Davis
6. Grabb
8. Altozer
10. Marx
12. Gourvitch
14. Anthony Giddens

قدرت در جامعه‌اند (ادیبی پیشین: ۱۸۷-۱۸۹ به نقل از وبر ۱۹۶۰ در مقاله طبقه، منزلت، حزب). بدین ترتیب وبر در بررسی نابرابری اجتماعی به دو مقوله دیگر یعنی منزلت و حزب نیز توجه کرد. طبقه از نظر وبر «مشمول بر گروهی از اشخاص است که موقعیت طبقاتی یکسانی دارند... مفاهیم طبقه و موقعیت طبقاتی تنها بیانگر واقعیت یکسان بودن... در وضعیت بارزی است که در آن یک فرد یا افرادی شماری منافع خود را تعریف شده می‌یابند. در اصل، کنترل در ترکیب‌های متفاوت کالاهای مصرفی، ابزار تولید، سرمایه‌گذاری، منابع سرمایه‌ای یا توانایی‌های بازارپذیر، موقعیت‌های طبقاتی متفاوتی را به وجود می‌آورند که متأثر از هر ترکیب و نوسانی است... بنابراین یگانگی طبقات اجتماعی بسیار نسبی و متغیر است» (وبر ۱۳۷۴: ۷۰). او بر پایه موقعیت‌های یکسان برای کسب کالا و خدمات و شیوه زندگی مشابهی که بر ملاحظات بازار استوار است، طبقاتی را بدین ترتیب تشخیص می‌دهد: طبقه بالا شامل افراد ممتازی که انحصار رهبری تولید و انحصار شانس توزیع کالا را در اختیار دارند، مانند صاحبان صنایع، بازرگانان، بانکداران و صاحبان مشاغل آزاد در مراتب بالا (وکلا، پزشکان، هنرمندان). او در برابر این طبقه، کارگران و همچنین طبقه متوسطی مرکب از دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان دولتی و غیردولتی را قرار می‌دهد (گورویچ پیشین: ۱۴۶).

وبر بر «گروه‌های منزلت» در مقابل «طبقات» تکیه بیشتری می‌کند. مشخصه آن شیوه مصرف، سکونت، لباس پوشیدن، ازدواج و خلاصه صورت معینی از تربیت به معنای وسیع کلمه را در بر می‌گیرد (مندراس^۱ و گورویچ ۱۳۵۴: ۲۷۷-۲۸۴؛ فروند^۲ ۱۹۷۲: ۲۲۳-۲۲۸). موقعیت ناشی از «استاتوس» در حکم موقعیتی برای دسترسی به شأن اجتماعی است. طبقه و منزلت از هم مستقل‌اند اما ممکن است با هم مرتبط بوده یا با یکدیگر رقابت داشته باشند. بعد سوم قشریندی اجتماعی حزب است. حزب‌ها در خانه قدرت زندگی می‌کنند و جهت عمل آن‌ها به سوی کسب قدرت است (گرب پیشین: ۸۱).

دیدگاه آنتونی گیدنز را می‌توان در مکانی میان مارکس و وبر قرار داد، چه او عناصر اصلی آرای آن دو را پذیرفته است. او نیز داشتن یا نداشتن مالکیت بر ابزار تولید را عامل اساسی در نظام طبقاتی جامعه می‌داند. به عقیده گیدنز سه حقوق یا قدرت، یعنی دارایی، آموزش یا مهارت و نیروی کاریدی، بنیان اصلی ساختار طبقاتی سه‌گانه‌ای است که بر اساس آن طبقه بالا بر سرمایه کنترل دارد، طبقه میانی دارای تحصیلات و مهارت‌های بالا است که آن را در بازار مبادله می‌کند و طبقه پایین یا کارگر تنها نیروی کاریدی خود را می‌فروشد (همان: ۲۰۵). اما

1. Mendras
3. Status

2. Freund

نمی‌توان مرزهای مشخصی میان این طبقات رسم کرد. بیشتر جامعه‌شناسان و پژوهشگران یکی از دیدگاه‌های یادشده و یا تلفیقی از آن‌ها را مبنای نظری خود در قشربندی اجتماعی قرار داده‌اند.

پژوهش‌های تجربی فراوانی توسط کارکردگرایان درباره قشربندی اجتماعی به عمل آمده است (همان: ۱۲۹ - ۱۳۰). در بیشتر این پژوهش‌ها به موقعیت پایگاه شغلی به عنوان رتبه‌بندی پایگاه و مهارت بر روی یک پیوستار، از پایین‌ترین تا بالاترین مرتبه نگاه شده است. فرض بر این بوده است که سطوح پرداخت و پایگاه و تحصیلات کمابیش از این رتبه‌بندی پیروی می‌کنند. اما این پژوهش‌های کارکردگرایانه کاستی‌های بسیاری دارند: از جمله، تحقیقات نشان داده‌اند که ارتباط مستقیمی میان مراتب شغلی و درآمد وجود ندارد، دیگر این‌که سطح تحصیلات به خوبی میزان درآمد را پیش‌بینی نمی‌کند (کربو^۱: ۲۰۰۳: ۱۳۶).

درآمد ملاک دیگری است که بعضاً در تعیین قشربندی اجتماعی به کار رفته است. اما «... باید توجه داشت که... درآمد به‌تنهایی نمی‌تواند موقعیت طبقاتی افراد را روشن سازد... از همین رو است که بعضی از جامعه‌شناسان... آن را یک ملاک ثانوی می‌پندارند» (اشرف ۱۳۴۰: ۵). لایه‌بندی جامعه بر پایه میزان درآمد می‌تواند ملاک خوبی برای نشان دادن وجهی از نابرابری در جامعه و چگونگی بهره‌مندی قشرهای مختلف از امکانات آن و همچنین بررسی میزان و گستره فقر در جامعه باشد. قشربندی درآمدی، چنان‌که گفته شد یک ملاک ثانوی است و می‌توان از آن در تقسیم طبقات اجتماعی به قشرهای بالا، متوسط و پایین بهره گرفت.

شیوه دیگر، تعیین قشرهای اجتماعی بر پایه نظام تولید یعنی رابطه افراد با ابزار تولید و موقعیت آنان در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه است که مارکس آن را به کار برد، ویر و گیدنز نیز بر آن تأکید کردند و برخی از پژوهشگران و جامعه‌شناسان با تلفیق دیدگاه‌های آنان به پژوهش در ساختار قشربندی جامعه دست زدند.

از جمله این متفکران، پولانزاس بر آن است که «محدوده‌های طبقاتی نظام سرمایه‌داری و افراد هر طبقه را موقعیتی مشخص می‌کند که قلمرو تولیدی یا اقتصادی دارند» (گرب پیشین: ۱۷۴). در طرح طبقاتی او بر شاخص‌های مالکیت وسایل تولید و خرید و فروش نیروی کار، شاخص تولید مازاد اقتصادی نیز افزوده شده است و بر اساس آن طبقات اجتماعی در جامعه مدرن بدین ترتیب تعیین می‌شوند: ۱. طبقه سرمایه‌دار، ۲. خرده‌بورژوازی سنتی، ۳. خرده بورژوازی جدید و ۴. کارگران.

پژوهش دیگری که با همین چشم‌انداز با موفقیت انجام شده، کار تجربی اریک اولین رایت^۱ بر روی تقسیمات طبقاتی بوده است. رایت در دیدگاه خود واژه «جایگاه طبقاتی» را مطرح می‌کند که عبارت است از «موقعیت اجتماعی که افراد و به عبارتی خانواده‌ها در روابط طبقاتی احراز می‌کنند. این جایگاه‌های طبقاتی ضرورتاً قطبی نمی‌شوند. یعنی تفکیک مطلق میان اختیارات و قدرت آن‌ها ایجاد نمی‌شود» (رایت ۱۹۹۹: ۷). او بر حسب انواع کنترل بر منابع اقتصادی در تولید سرمایه‌داری امروز یعنی: ۱. کنترل ناشی از مالکیت اقتصادی و سرمایه مالی، ۲. کنترل بر دستگاه‌های فیزیکی تولید (زمین و کارخانه و ادارات) و ۳. کنترل بر نیروی کار، افزون بر قشرهای بورژوازی، خرده‌بورژوازی و کارگر چند جایگاه متناقض طبقاتی شامل مدیران سطح بالا، سرمایه‌داران کوچک، مزدبگیران نیمه‌مستقل و سرکارگران را شناسایی می‌کند که می‌توانند بر برخی از جنبه‌های تولید اثر بگذارند اما، بر جنبه‌های دیگر کنترل ندارند (گرب پیشین: ۱۸۵؛ گیدنز ۱۳۷۸: ۲۲۷). بدین ترتیب او بر اساس نوع و میزان کنترل اقتصادی که گروه‌های مختلف در اختیار دارند، روشی قابل اجرا برای قشربندی جامعه سرمایه‌داری مدرن عرضه کرده است (رایت ۲۰۰۰).

هارالامباس^۲ و هالبورن^۳ نیز گروه‌بندی شغلی را برای قشربندی اجتماعی به کار برده‌اند. آنان بر اساس آمارهای رسمی کشور انگلستان که در سال‌های مختلف گرفته شده است، ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی آن کشور را مطالعه کرده‌اند. آمارهای مورد استفاده آنان گروه‌های اقتصادی-اجتماعی را از یکدیگر تفکیک کرده است. هارالامباس و هالبورن معتقدند که در روش آنان افراد دارای مشاغلی با پایگاه‌های اقتصادی یکسان در یک رده قرار گرفته‌اند.

جدول ارائه شده توسط این دو جامعه‌شناس دارای عناوینی است که تا حدی با نتایج سرشماری‌های انجام شده در ایران همانندی دارد: موقعیت‌های شغلی این جداول عبارت‌اند از کارفرمایان، کارکنان مستقل و مزد و حقوق‌بگیران. تحول قشربندی اجتماعی در یک جدول از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۷۱ و در جدولی دیگر از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۴ نشان داده شده است (هارالامباس و هالبورن ۲۰۰۰: ۳۴-۴۲).

دستاورد تحقیق رایت و شیوه قشربندی هارالامباس و هالبورن که برای جوامع سرمایه‌داری صنعتی به کار رفته است، می‌تواند راهنمای خوبی باشد که با اندک تغییراتی برای بررسی ساختار و تحولات قشربندی اجتماعی ایران به کار رود.

1. Eric Olin Wright

2. Haralambos

3. Holborn

پی‌یر بوردیو^۱ در بررسی ساختار اجتماعی دیدگاه و روشی متفاوت دارد. او معتقد است که هستی اجتماعی به معنای ناهمسانی است و ناهمسانی بر سلسله‌مراتب دلالت دارد (استونز^۲ ۱۳۷۹: ۳۳۰). موقعیت یا موقعیت‌هایی که افراد در جامعه اشغال می‌کنند به میزان بهره‌مندی آنان از سرمایه بستگی دارد. هر گونه خاستگاه یا سرچشمه‌ای که در عرصه اجتماعی بر توانایی فرد برای بهره بردن از منافع ویژه‌ای که در آن عرصه به دست می‌آید مؤثر باشد، سرمایه است. در دیدگاه بوردیو سه گونه سرمایه وجود دارد: سرمایه اقتصادی (دارایی مالی و مادی)، سرمایه اجتماعی (روابط اجتماعی ارزشمند و منابعی که به صرف عضویت در گروه به فرد تعلق می‌گیرد) و سرمایه فرهنگی (که انواع دانش‌های مشروع را در بر می‌گیرد و همچنین شامل کالا، مهارت و عنوان‌های نمادین کمیاب است) (همان: ۳۳۵؛ ریتزر ۱۳۷۷: ۷۲۵). موقعیت افراد و گروه‌ها و نهادها در فضای اجتماعی به وسیله ترکیب و حجم کلی سرمایه‌ای که در اختیار دارند، ترسیم می‌شود.

فضای اجتماعی بدین ترتیب ساخته می‌شود که عاملان و گروه‌های اجتماعی بر اساس جایگاه‌شان در توزیع آماری دو اصل تفاوت‌گذار، یعنی سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی تقسیم می‌شوند (بوردیو ۱۳۸۰: ۳۶) و بر اساس سرجمع کل سرمایه‌ای که دارند جایگاه خود را مشخص می‌کنند.

این الگو به عنوان یک اصل معتبر طبقه‌بندی عمل می‌کند؛ طبقاتی که از طریق جداسازی مناطقی از فضای اجتماعی تحقق می‌یابند، نه تنها از دیدگاه شرایط زندگی‌شان بلکه از نظر رفتارهای فرهنگی، رفتارهای مصرفی، ایده‌های سیاسی و غیره، حتی‌المقدور دارای هویتی واحد و یک‌دست هستند (همان: ۲۶-۵۲ و ۷۲-۷۸).

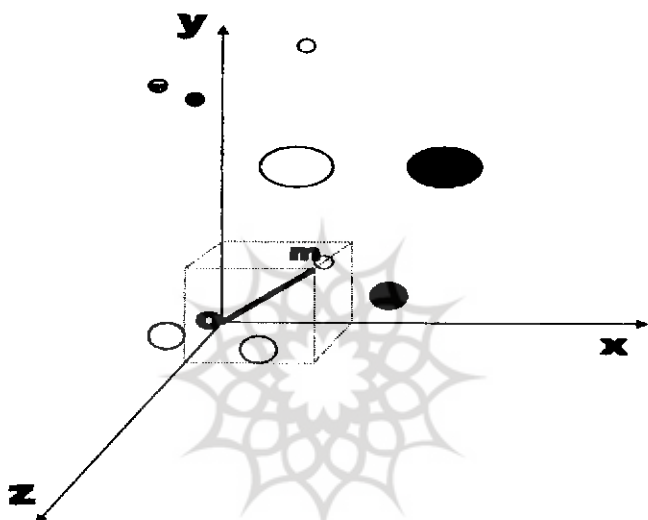
بوردیو در مبحث سرمایه سیاسی در کشورهای «شورایی» (همان: ۴۶-۵۲)، به یک اصل تفاوت‌گذار دیگر اشاره می‌کند که نوع دیگری از سرمایه است: سرمایه سیاسی، که توزیع نامساوی آن سرمنشأ تفاوت‌هایی از جمله در حوزه مصرف و الگوهای زندگی است. این سرمایه در جوامعی که بخش چشمگیری از سرمایه‌ها و مازاد اقتصادی در مالکیت دولت است، نقشی اساسی در قشربندی دارد و ما نیز در ساخت فضای اجتماعی ایران از آن بهره می‌گیریم.

چارچوب نظری: حوزه نظری این پژوهش جامعه‌شناسی قشربندی اجتماعی است اما، از آن‌جا که از آمار سرشماری‌ها برای قشربندی جمعیت کشور استفاده می‌شود، می‌توان آن را

1. Peir Bourdeau

2. Stones

پژوهشی در زمینه «مطالعات جمعیت» نیز برشمرده. در چارچوب نظری این تحقیق، از دیدگاه دورکیم درباره نقش تقسیم کار در تحولات اجتماعی، و وجه مشترک دیدگاه‌های مارکس و وبر و گیدنز، یعنی نقش فرد در سازمان اقتصادی جامعه و ارتباطش با ابزار تولید، بهره گرفته‌ایم. افزون بر آن، در بررسی قشربندی جامعه ایران نظریه فضای اجتماعی بوردیو را نیز مبنا قرار داده‌ایم؛ اما آن را با افزودن سرمایه سیاسی به یک فضای سه‌بعدی تبدیل کرده‌ایم (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱. فضای اجتماعی سه‌بعدی

X - سرمایه اقتصادی

Y - سرمایه اجتماعی - فرهنگی

Z - سرمایه سیاسی

OM - سرمایه کلی

در طرح فضای اجتماعی ایران، نخست فضایی با سه سرمایه اقتصادی (مالکیت بر ابزار تولید و سرمایه مالی)، اجتماعی - فرهنگی (منزلت اجتماعی، نفوذ و رهبری دینی، فرهنگی، علمی و...) و سیاسی (قدرت، اقتدار سیاسی، مدیریت‌ها و...) ترسیم شده است. برآیند این سرمایه‌ها، سرمایه کلی هر فرد یا گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و بر اساس سرجمع کل سرمایه‌ها در منطقه تلاقی سه سرمایه، جایگاه آن‌ها در این فضای اجتماعی مشخص می‌شود. عوامل اجتماعی بر حسب میزان سرجمع سرمایه خود جایی در این فضای اجتماعی اشغال می‌کنند. با

استفاده از نظریه بوردیو می‌توانیم بگوییم که عاملان اجتماعی که در این فضا در یک موضع قرار می‌گیرند دارای منافع، سلیقه‌ها و دیدگاه‌های کمابیش یکسانی نیز می‌شوند و قشرهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت، پژوهشی تاریخی - تطبیقی است که تحولات قشربندی را بر پایه مقایسه آمار سرشماری‌های انجام شده در گذشته بررسی می‌کند. از آنجا که به ساختار و تحولات یکی از ویژگی‌های جمعیت ایران توجه دارد، هم پژوهشی هم‌زمانی است و هم درزمانی. بر اساس شیوه گردآوری اطلاعات هم روش این تحقیق اسنادی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با ترکیب جداول سرشماری در یکدیگر و سپس شمارش ساده نتایج به دست آمده و مقایسه نسبت درصد آن‌ها صورت گرفته است. قشربندی جامعه با بررسی جداول «وضع شغلی» در «گروه‌های عمده شغلی» برحسب «بالا»، «متوسط سنتی»، «متوسط جدید» و «پایین» بر اساس برداشت از نظریه‌های اندیشمندان اجتماعی، آن‌گونه که در مبانی نظری مطرح شد و همچنین با کاربرد روش دلفای کیفی انجام شده است. در این روش به شماری از صاحب‌نظران مراجعه شد و از راه مصاحبه‌های منظم و سازمان‌یافته و انتقال دیدگاه‌های هر کدام به یکدیگر (ایجاد یک مناظره غیرحضوری، آن‌گونه که در روش دلفای توصیه شده است) موارد زیر نظرخواهی شد و این نتایج به دست آمد:

۱. طرح فضای اجتماعی سه‌بعدی برای شناخت ساختار قشربندی ایران مناسب است.
۲. این چارچوب نظری را با ترکیب کردن آمارهای «وضع شغلی» و «گروه عمده شغلی» می‌توان عملیاتی کرد، زیرا در این تلفیق هم وضعیت اقتصادی و هم تا حد قابل قبولی نقش‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی انعکاس می‌یابد. در این مورد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران جامعه‌شناسی نیز توجه شده است؛ از جمله، ماکس وبر نیز بر آن بود که سه بعد طبقه، منزلت و قدرت در مواردی در یکدیگر ادغام می‌شوند.
۳. بر این اساس، موقعیت به دست آمده برای افراد از راه تلفیق وضع شغلی در گروه عمده شغلی بر روی نقطه m (نمودار شماره ۱) قرار دارد، یا به آن نزدیک است. تعیین موقعیت‌ها بر حسب بالا، متوسط... در جداول ۳ تا ۱۰ نیز متناسب تشخیص داده شد.
۴. تقسیم‌بندی قشرهای اجتماعی به «بالا»، «متوسط سنتی»، «متوسط جدید» و «پایین» یا دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و جدید همخوانی دارد و مصداق‌های آن نیز در ایران دیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱ توزیع جمعیت شاغل کشور را در سرشماری‌های پنج‌گانه ۱۳۳۵-۱۳۷۵ برحسب وضع شغلی نشان می‌دهد. این جدول خود گونه‌ای از قشربندی اجتماعی است که در آن شاغلان بر پایه نقش‌شان در تولید اجتماعی و ارتباطشان با مالکیت بر ابزار تولید، یا همان سرمایه اقتصادی تفکیک شده‌اند و چنان‌که پیش از این آمد، جامعه‌شناسانی چون اریک اولین رایت و هارالامباس و هالورن نیز از همین شیوه برای قشربندی اجتماعی بهره گرفته‌اند. در این جدول شاغلان کشور بر حسب تعداد و نسبت در گروه‌های کارفرما، کارکن مستقل، مزد و حقوق‌بگیر بخش دولتی و بخش خصوصی و کارکن خانوادگی قشربندی شده‌اند و تحولات این قشربندی را می‌توان با مقایسه نتایج سرشماری‌ها نشان داد.

اما این قشربندی از دقت لازم برخوردار نیست، زیرا اگر به دیگر داده‌های سرشماری، مثلاً وضعیت شغلی در گروه‌های عمده شغلی مراجعه شود، می‌بینیم که در گروه عمده «کارمندان اداری و دفتری» و حتی در گروه شغلی «کارگران مشاغل تولیدی و حمل و نقل» وضعیت شغلی «کارفرما» وجود دارد که طبعاً این‌گونه کارفرمایان را نمی‌توان در قشر «بالا» رده‌بندی کرد و از این جهت همپوشی و بی‌دقتی در کار زیاد می‌شود. لازم به توضیح است که در نشریات سرشماری «کارفرما» این‌گونه تعریف شده است: «کسانی که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود حداقل یک نفر مزد و حقوق‌بگیر در استخدام داشته باشند کارفرما محسوب می‌شوند و نیز افرادی که خودمزد و حقوق‌بگیر هستند، هر چند که یک یا چند نفر دیگر زیر نظر آنان به کار اشتغال داشته باشند، کارفرما شناخته نمی‌شوند» (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶).

بنابراین به منظور دستیابی به نتیجه‌ای که تا حد ممکن دچار بی‌دقتی و یا همپوشی نباشد، برای تعیین قشربندی جامعه ایران بر اساس آمار سرشماری‌های انجام شده از جداول اصلی «وضعیت شغلی» و «گروه‌های عمده شغلی» جداولی ترکیبی استخراج می‌کنیم که وضعیت شغلی را در گروه‌های عمده شغلی به تفکیک کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی و خصوصی و کارکنان خانوادگی ارائه کند و سپس هر یک را بر اساس معیارهای به‌دست آمده از اجماع صاحب‌نظران در قشرهای بالا، متوسط و پایین قرار می‌دهیم. از این تفکیک به‌دقت بیشتری در قشربندی جامعه ایران دست می‌یابیم، ضمن این‌که در این روش نقش سرمایه‌های دیگر (سیاسی و اجتماعی-فرهنگی) نیز تا حدی لحاظ خواهد شد.

نکته‌ای که توضیح آن در این جا ضروری است به آمارهای سرشماری سال ۱۳۶۵ مربوط می‌شود: این سرشماری در شرایطی ویژه و در اوج جنگ ایران و عراق اجرا شد. از این رو دقت

آن احتمالاً کمتر از سایر سرشماری‌ها بوده است. در جداول شماره ۱۱ به بعد آمارهای سال ۱۳۶۵ ناهماهنگی‌ها و پرش یا فرودهایی نسبت به سال‌های پیش و پس از آن دیده می‌شود که احتمالاً معلول همان شرایط ویژه دوران جنگ است.

جدول ۱. جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده
فراوانی:							
۱۳۳۵	۵۹۰۷۶۶۶	۶۸۷۷۷	۲۴۲۵۳۴۵	۴۵۰۷۸۷	۲۲۴۵۷۷۹	۵۹۴۲۳۲	۱۱۲۷۴۶
۱۳۴۵	۷۱۱۵۷۸۷	۱۵۶۵۴۸	۲۷۶۰۹۲۴	۶۹۰۲۳۲	۲۷۳۲۴۶۲	۷۲۵۸۱۰	۴۹۸۱۱
۱۳۵۵	۸۷۹۹۴۲۰	۱۸۲۲۲۹	۲۸۱۰۲۱۱	۱۶۷۳۰۹۲	۳۰۷۱۹۳۷	۱۰۲۱۳۱۲	۴۰۶۴۹
۱۳۶۵	۱۱۰۰۱۵۵۱	۳۴۱۳۰۱	۴۳۹۷۸۹۷	۳۴۵۴۴۳۷	۱۸۸۱۶۸۲	۴۶۲۱۸۹	۴۶۴۰۴۵
۱۳۷۵	۱۴۵۷۱۵۷۲	۵۲۷۵۱۰	۵۱۹۸۹۹۱	۴۲۵۷۹۶۷	۳۳۲۷۱۸۷	۷۹۷۱۹۵	۴۶۲۷۲۲
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	۱/۲	۴۱/۲	۷/۶	۳۸	۱۰/۱	۱/۹
۱۳۴۵	۱۰۰	۲/۲	۳۸/۸	۹/۷	۳۸/۴	۱۰/۲	۰/۷
۱۳۵۵	۱۰۰	۲/۱	۳۱/۹	۱۹	۳۴/۹	۱۱/۶	۰/۵
۱۳۶۵	۱۰۰	۳/۱	۴۰	۳۱/۴	۱۷/۱	۴/۲	۴/۲
۱۳۷۵	۱۰۰	۳/۶	۳۵/۷	۲۹/۲	۲۲/۸	۵/۳	۳/۲

جدول شماره ۱ توزیع جمعیت شاغل کشور را بر حسب موقعیت در شغل نشان می‌دهد. در فاصله میان نخستین و پنجمین سرشماری، تعداد و نسبت کارفرمایان فزاینده بوده و سه برابر شده است، اگرچه، همان‌گونه که انتظار می‌رود، سهم بسیار کمی در کل شاغلان دارد. اما نسبت کارکنان مستقل روندی کاهشی دارد در حالی که از نظر تعداد حدوداً دو برابر شده است. تحولی چشمگیر در نسبت و تعداد مزد و حقوق‌بگیران بخش دولتی صورت گرفته که از ۷/۶ درصد به ۲۹/۲ درصد شاغلان رسیده و شمار آن نیز نزدیک به ده برابر شده است و این تحولی چشمگیر در ساختار قشریندی جامعه به‌شمار می‌آید. مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی، برعکس بخش دولتی از ۳۸ درصد به ۲۲/۸ درصد شاغلان کاهش یافته است. رشد روابط سرمایه‌دارانه را روند رو به کاهش کارکنان خانوادگی بدون مزد که عمدتاً روستایی بوده‌اند می‌توان استنتاج کرد که از ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

اطلاعات دیگری که در این مبحث مورد استفاده قرار می‌گیرد، توزیع جمعیت شاغل کشور

بر حسب گروه‌های عمده شغلی است (جدول شماره ۲). توزیع گروه‌های عمده شغلی می‌تواند شاخص کارآمدی در قشر بندی اجتماعی باشد. برای مثال گروه عمده «کارمندان اداری و دفتری» جزء قشرهای متوسط جدید شمرده می‌شود یا «فروشدگان و کارکنان بازرگانی» در هر رده که باشند، جزء قشرهای سنتی هستند و به همین ترتیب سایر گروه‌ها را می‌توان قشر بندی نمود. جدول شماره ۲ بیانگر تحولات چشمگیری در ساختار شغلی کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ است. نسبت کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی از ۱/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده و به سخن دیگر، بیش از هفت برابر شده است. دو تغییر چشمگیر دیگر، کاهش نسبت گروه عمده کشاورزی از ۵۵/۵ درصد به ۲۳/۸ درصد و در مقابل آن، افزایش کارگران مشاغل تولیدی و حمل و نقل از ۲۲/۶ به ۳۷/۲ درصد بوده است. گروه مدیران و مقامات عالی رتبه از ۵/۸ به ۲/۲ درصد، کارمندان از ۲/۶ به ۴/۲ درصد و بخش فروش و بازرگانی از ۵/۸ به ۸/۹ درصد رسیده و کارکنان امور خدماتی از ۷/۷ به ۳ درصد کاهش یافته است. کارکنان گروه بندی نشده، عمدتاً در مشاغل نظامی بوده‌اند که آن هم از ۳/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

جدول ۲. جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های عمده شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارکنان مشاغل علمی و فنی و تخصصی	مدیران، کارمندان عالی رتبه، قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه	کارکنان اداری و دفتری و مشابه	فروشنندگان و کارکنان بازرگانی	کارکنان امور خدماتی	کشاورزان، دامداران، جنگل‌داران، ماهیگیران	کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان	کارکنان گروه بندی نشده
فراوانی:									
۱۳۳۵	۵۹۰۷۶۶۶	۹۴۲۶۲	۲۹۱۱۹	۱۵۴۵۵۹	۲۴۵۲۶۱	۴۵۴۶۳۴	۳۲۸۱۱۲۵	۱۳۳۵۲۰۵	۲۱۳۴۰۱
۱۳۳۵	۷۱۱۵۷۸۷	۲۰۳۳۲۰	۱۱۹۳۷	۲۰۱۱۷۱	۵۰۵۳۲۸	۵۱۴۶۷۳	۳۳۳۹۳۷۷	۲۰۶۲۰۲۲	۲۶۷۸۵۹
۱۳۵۵	۸۷۹۹۴۲۰	۵۵۵۷۲۵	۳۰۵۵۷	۳۳۷۶۸۲	۵۹۵۳۰۵	۳۳۲۹۵۵	۲۹۸۲۶۰۳	۳۳۰۸۶۷۶	۴۴۴۱۵۷
۱۳۶۵	۱۱۰۰۱۵۵۱	۱۰۵۴۰۷۸	۴۴۳۲۹	۳۶۷۳۸۵	۷۶۱۸۱۹	۴۵۵۳۷۵	۳۳۴۳۵۷	۲۶۳۳۲۲۹	۱۴۳۲۶۷۹
۱۳۷۵	۱۴۵۷۱۵۷۲	۱۷۲۰۸۰۵	۳۳۶۶۳۳	۶۱۴۰۳۷	۱۲۰۸۱۳۰	۳۳۹۸۱۰	۳۴۱۵۶۰۱	۵۴۳۳۱۸۸	۱۳۰۵۲۵۸
درصد:									
۱۳۳۵	۱۰۰	۱/۶	۰/۵	۲/۶	۵/۸	۷/۷	۵۵/۵	۲۲/۶	۳/۶
۱۳۳۵	۱۰۰	۲/۹	۰/۲	۲/۸	۷/۱	۷/۲	۳۷/۱	۲۹	۲/۸
۱۳۵۵	۱۰۰	۶/۳	۰/۵	۵	۶/۸	۴/۹	۳۳/۹	۳۷/۶	۵
۱۳۶۵	۱۰۰	۹/۶	۰/۴	۳/۳	۶/۹	۴/۱	۲۹/۵	۳۳/۱	۱۳/۱
۱۳۷۵	۱۰۰	۱۱/۸	۲/۲	۴/۲	۸/۹	۳	۲۳/۸	۳۷/۲	۸/۹

* مشاغل مربوط به خدمات ثابت ارتشی و نامشخص و اظهار نشده.

چنان‌که پیش از این آمد، آمار سرشماری‌ها این امکان را فراهم آورده است که وضعیت شغلی افراد شاغل به تفکیک گروه‌های عمده شغلی ارائه شود. قشربندی موردنظر با بهره‌گیری از این جداول انجام می‌گیرد.

جدول شماره ۳ موقعیت شغلی کارکنان مشاغل علمی، فنی، تخصصی را نمایش داده است که بر اساس گروه‌بندی مشاغل در سرشماری‌ها، طیف گسترده‌ای از پزشکان، متخصصان، مهندسان، استادان دانشگاه و هنرمندان و ورزشکاران حرفه‌ای تا آموزگاران و دبیران را شامل می‌شود. این گروه از نظر قشربندی یک‌دست نیست و ما آن را برحسب موقعیت شغلی دسته‌بندی کردیم. به این ترتیب که کارفرمایان را در قشر بالا قرار دادیم که از سرمایه اقتصادی و همچنین اجتماعی- فرهنگی بالایی برخوردارند و بقیه موقعیت‌ها در قشر متوسط جدید جای گرفتند. اشکال وارد بر قشربندی این گروه عمده شغلی این است که:

۱. به علت گستردگی زیاد طیف این مشاغل که از پزشکان و وکلا گرفته تا آموزگاران پیش‌دبستانی را شامل می‌شوند، احتمال هم‌پوشی میان قشرهای بالا و متوسط وجود دارد.
۲. تحولات اجتماعی- اقتصادی صورت گرفته در آن پنج دهه (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵) باعث شده است که برخی از مشاغل (مثلاً معلمان) از مراتب بالاتر اقتصادی نزول کنند اما، همچنان در قشر متوسط جدید قرار می‌گیرند.

جدول ۳. توزیع کارکنان مشاغل علمی و فنی و تخصصی بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌یگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌یگیران بخش خصوصی	کارکنان خاواداگی بدون مزد	اظهار نشده	جمع متخصصان غیرکارفرما
فراوانی:								
۱۳۲۵	۹۴۲۶۲	۵۹۴	۲۲۷۵۲	۵۴۸۰۵	۱۵۶۲۷	۱۳۵	۲۳۹	۹۲۶۶۸
۱۳۳۵	۲۰۳۳۲۰	۳۶۹۲	۱۷۹۹۷	۱۴۲۹۰۵	۳۷۱۴۸	۸۳۲	۷۴۵	۱۹۹۶۲۸
۱۳۵۵	۵۵۵۷۴۵	۱۱۳۳۵	۳۴۰۰۰	۳۲۱۲۴۲	۸۷۲۸۱	۳۰۰	۱۳۸۷	۵۳۳۳۱۰
۱۳۶۵	۱۰۵۴۰۷۸	۱۲۹۸۳	۳۳۳۲۴	۸۹۰۹۴۴	۵۷۲۵۶	۱۲۷۷	۳۷۸۸۴	۱۰۰۰۰۹۵
۱۳۷۵	۱۷۲۰۸۰۵	۲۳۲۵۳	۱۷۵۸۱۹	۱۲۷۳۳۹۶	۲۳۶۰۹۷	۲۰۲۴	۵۹۱۰۶	۱۶۹۶۴۵۲
درصد:								
۱۳۲۵	۱۰۰	-/۶	۲۴/۱	۵۸/۱	۱۶/۶	۰/۲	-/۴	۹۹/۳
۱۳۳۵	۱۰۰	۱/۸	۸/۹	۷۰/۲	۱۸/۲	-/۴	-/۴	۹۸/۲
۱۳۵۵	۱۰۰	۲/۱	۶/۱	۷۵/۸	۱۵/۷	-/۱	-/۲	۹۷/۹
۱۳۶۵	۱۰۰	۱/۳	۴	۸۴	۵/۴	-/۲	۲/۶	۹۸/۶
۱۳۷۵	۱۰۰	۱/۴	۷/۳	۷۴	۱۳/۷	-/۱	۳/۵	۹۸/۶
	قشربندی	بالا		متوسط				متوسط جدید

کاربرد نتایج سرشماری‌های عمومی در...

گروه عمده «مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری» مشاغلی چون اعضای مجالس قانونگذاری، مقام‌های عالی‌رتبه دولتی، مدیران عامل و مدیران مؤسسات صنعتی و بازرگانی و مانند آن‌ها را در برمی‌گیرد. بنابراین، کارفرمایان این گروه، از هر سه سرمایه بهره‌کافی دارند و در قشر بالا قرار می‌گیرند و دیگر موقعیت‌های شغلی این گروه در قشر متوسط جدید جای دارند (جدول شماره ۴).

جدول ۴. توزیع مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهارنشده	جمع بدون کارفرمایان
فراوانی:								
۱۳۳۵	۲۹۱۱۹	۳۱۰۷	۶۰۹۶	۱۳۸۰۲	۴۸۳۹	۱۲۲۹	۳۶	۲۶۰۱۲
۱۳۳۵	۱۱۹۳۷	۳۰۲۹	۱۱۹۲	۵۶۲۲	۲۰۴۴	۱۷	۳۳	۸۹۰۸
۱۳۵۵	۴۰۵۵۷	۱۱۸۷۲	۳	۱۴۰۲۸	۱۴۴۱۴	-	۲۴۰	۲۸۶۸۵
۱۳۶۵	۳۴۳۲۹	۸۳۱۴	۳۸۶۹	۲۳۰۶۴	۶۹۴۴	۸۰	۱۱۵۸	۳۶۱۱۵
۱۳۷۵	۳۲۴۶۴	۵۰۲۱۲	۲۸۱۲۲	۱۷۶۸۶۹	۵۰۸۵۴	۶۴۲	۷۸۴۲	۲۷۴۴۲۰
درصد:								
۱۳۳۵	۱۰۰	۱۰/۶	۲۱	۳۷/۳	۱۶/۷	۴/۲	-/۱	۸۹/۳
۱۳۳۵	۱۰۰	۲۵/۳	۱۰	۴۷/۱	۱۷/۱	-/۱	-/۲	۷۴/۷
۱۳۵۵	۱۰۰	۲۹/۳	-/۰۱	۳۴/۶	۳۵/۵	-	-/۶	۷۰/۸
۱۳۶۵	۱۰۰	۱۸/۷	۱۰/۹	۵۱/۹	۱۵/۶	-/۱	۲/۶	۸۱/۳
۱۳۷۵	۱۰۰	۱۵/۵	۱۱/۸	۵۴/۵	۱۵/۶	-/۲	۲/۴	۸۴/۶
قشریندی	بالا			متوسط				متوسط جدید

گروه عمده «کارمندان اداری و دفتری» کلاً قشر متوسط جدید شمرده می‌شوند. اساس این رده‌بندی را سرمایه اقتصادی و متوسط و پایین بودن سرمایه اجتماعی-فرهنگی و سیاسی آنان قرار داده‌ایم، زیرا مشاغل این گروه از سرپرستان، کارمندان دفتری تا کارمندان معمولی و کارمندان دون پایه گسترده شده است (جدول شماره ۵).

گروه عمده «فروشنندگان و کارکنان فروش و بازرگانی» شامل طیفی از مشاغل، از تجار بازار و صاحبان عمده‌فروشی‌ها گرفته تا مغازه‌داران و کارگزاران بیمه و معاملات ملکی و فروشنندگان دوره‌گرد و شاگردان اصناف است. از این رو در این گروه، کارفرمایان به دلیل برخورداری از سرمایه اقتصادی و همچنین موقعیت اجتماعی و سیاسی خود در قشر بالا و کارکنان مستقل این گروه در قشر متوسط سنتی قرار می‌گیرند. مزد و حقوق‌بگیران دولتی در این گروه شغلی عمدتاً در قشر متوسط جدید قرار دارند و مزدبگیران بخش خصوصی که بیشتر شاگردان و پادوهای این

جدول ۵. توزیع کارمندان اداری و دفتری و مشابه بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده
۱۳۳۵	۱۵۳۵۵۹	۱۴۲	۱۰۹۱۱	۱۳۲۶۷۳	۷۵۲۹	۲۱۲۷	۱۷۷
۱۳۴۵	۲۰۱۱۷۱	۳۸۵۰	۴۵۵۵	۱۴۰۴۶۴	۵۰۹۹۸	۷۶۲	۵۴۲
۱۳۵۵	۴۳۷۶۸۲	۲۵۳۵	۵۷۴۶	۲۹۵۰۹۱	۱۳۲۳۱۹	۱۲۴۴	۷۴۷
۱۳۶۵	۳۶۷۴۸۵	۴۱۷۱	۱۰۵۵۶	۳۰۵۳۰۳	۳۳۴۶۳	۱۰۲۹	۱۲۹۶۳
۱۳۷۵	۶۱۴۰۳۷	۳۳۵۹	۹۹۹۱	۴۹۳۴۳۷	۸۵۰۰۳	۵۴۴	۲۱۷۰۳
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	۰/۱	۷/۱	۸۶/۴	۴/۹	۱/۴	۰/۱
۱۳۴۵	۱۰۰	۱/۹	۲/۳	۶۹/۸	۲۵/۳	۰/۴	۰/۳
۱۳۵۵	۱۰۰	۰/۶	۱/۳	۶۷/۴	۳۰/۲	۰/۳	۰/۲
۱۳۶۵	۱۰۰	۱/۲	۲/۹	۸۳	۹/۱	۰/۳	۳/۵
۱۳۷۵	۱۰۰	۰/۵	۱/۶	۸۰/۴	۱۲/۹	۰/۱	۳/۵
متوسط جدید							قشر بندی

گروه عمده شغلی هستند، در قشر پایین جای می‌گیرند. کارکنان خانوادگی بدون مزد و ستون اظهار نشده را مسامحتاً به لایه پایین قشرهای متوسط سنتی متعلق می‌دانیم (جدول شماره ۶).

جدول ۶. توزیع فروشندگان و کارکنان فروش و بازرگانی بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده
۱۳۳۵	۳۴۵۲۶۱	۹۶۷۲	۲۶۴۱۵۸	۲۰۵۲	۶۰۷۸۹	۷۵۰۲	۱۱۸۸
۱۳۴۵	۵۰۵۲۲۸	۲۶۷۶۱	۳۵۰۹۱۶	۲۲۳۲	۹۹۴۶۹	۱۳۳۷۳	۶۷۷
۱۳۵۵	۵۹۶۴۰۵	۴۳۳۵۵	۴۲۱۵۲۷	۱۲۰۰۵	۱۰۹۲۲۸	۱۰۹۲۰	۳۶۰
۱۳۶۵	۷۶۱۸۱۹	۳۷۲۳۵	۵۶۲۰۰۳	۵۳۳۹۵	۸۸۱۲۴	۸۷۷۱	۲۱۲۸۱
۱۳۷۵	۱۲۰۸۱۳۰	۸۰۵۲۵	۷۶۵۹۶۷	۲۶۴۵۶	۲۶۷۲۳۳	۲۲۲۲۰	۳۵۸۸۹
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	۲/۸	۷۶/۵	۰/۶	۱۷/۶	۲/۲	۰/۳
۱۳۴۵	۱۰۰	۷/۳	۶۹/۴	۰/۸	۱۹/۷	۲/۶	۰/۲
۱۳۵۵	۱۰۰	۷/۱	۷۰/۷	۲	۱۸/۳	۱/۸	۰/۱
۱۳۶۵	۱۰۰	۳/۶	۷۴	۶/۹	۱۱/۵	۱/۲	۲/۸
۱۳۷۵	۱۰۰	۶/۲	۵۸/۵	۲/۸	۲۸/۱	۱/۷	۲/۷
متوسط سنتی							قشر بندی
متوسط جدید		متوسط سنتی	متوسط جدید	پایین			

گروه عمده شغلی «کارکنان امور خدماتی» شامل کسانی چون صاحبان هتل‌ها و رستوران‌ها و مدیران و کارکنان و خدمتکاران این‌گونه مؤسسات، خشکشویان و آرایشگران و مانند این مشاغل و همچنین کارکنان پلیس و خدمات استحفاظی و سایر خدمات است. در این گروه کارفرمایان در قشر بالا، کارکنان مستقل در قشر متوسط سنتی، مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی در قشر متوسط جدید، مزدبگیران بخش خصوصی در قشر پایین و کارکنان خانوادگی بدون مزد در قشر متوسط سنتی جای می‌گیرند. این تقسیم‌بندی با وجود احتمال هم‌پوشی در برخی از قشرها بر پایه نوع شغل و موقعیت شغلی صورت گرفته است (جدول شماره ۷).

جدول ۷. توزیع کارکنان امور خدماتی بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	نظائر نشده
فرزوانی:							
۱۳۳۵	۲۵۴۶۳۳	۲۰۰۲	۴۲۰۳۴	۶۶۷۹۲	۳۳۲۵۸۸	۶۲۸۶	۹۳۲
۱۳۳۵	۵۱۴۶۷۳	۱۱۸۹۸	۶۵۹۷۸	۱۰۷۵۵۹	۳۰۶۳۵۲	۲۱۷۱۱	۱۱۷۵
۱۳۵۵	۴۳۲۵۹۵	۱۰۳۵۷	۴۸۳۳۶	۱۸۵۵۶۵	۱۸۴۶۶۵	۲۹۲۸	۶۴۴
۱۳۶۵	۴۵۵۲۷۵	۱۰۱۹۳	۶۶۲۲۷	۲۹۲۶۹۸	۶۸۲۳۴	۱۹۴۵	۱۵۰۷۸
۱۳۷۵	۴۳۹۸۱۰	۷۷۰۱	۶۷۰۴۵	۱۷۶۳۹۸	۱۷۳۹۷۶	۳۰۸۱	۱۱۵۰۹
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	۰/۷	۹/۵	۱۴/۷	۷۳/۵	۱/۴	۰/۲
۱۳۳۵	۱۰۰	۲/۳	۱۲/۸	۲۰/۹	۵۹/۵	۴/۲	۰/۳
۱۳۵۵	۱۰۰	۲/۴	۱۱/۲	۴۲/۹	۳۲/۷	۰/۷	۰/۱
۱۳۶۵	۱۰۰	۲/۲	۱۴/۷	۶۴/۳	۱۵/۱	۰/۴	۲/۳
۱۳۷۵	۱۰۰	۱/۸	۱۵/۲	۴۰/۱	۳۹/۶	۰/۷	۲/۶
قشربندی	بالا	متوسط سنتی	متوسط جدید	پایین	متوسط سنتی		

گروه عمده شغلی «کشاورزان - دامداران» شامل مالکان بهره‌برداری‌های کشاورزی، دامداری، مرغداری، پرورش ماهی و باغداری و همچنین کارکنان دولتی و خصوصی این‌گونه بهره‌برداری‌ها و کشاورزان غیرمالک و کارگران مؤسسات بالا و صاحبان و رانندگان ماشین‌های کشاورزی است. بر این مبنا در این گروه شغلی، کارفرمایان در قشر بالا، کارکنان مستقل در قشر متوسط سنتی، بیشتر مزد و حقوق‌بگیران دولتی در قشر متوسط جدید، مزدبگیران بخش خصوصی در قشر پایین و کارکنان خانوادگی بدون مزد در قشر متوسط سنتی جای دارند (جدول شماره ۸).

جدول ۸. توزیع کشاورزان و دامداران بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده
فراوانی:							
۱۳۳۵	۳۲۸۱۱۲۵	۳۴۰۲۲	۱۷۸۶۰۷۵	۱۱۴۶۲	۹۰۰۵۸۷	۵۴۰۷۹۲	۸۱۸۷
۱۳۴۵	۳۳۹۳۲۷۷	۳۵۳۵۵	۱۹۳۴۴۲۱	۹۲۷۳	۷۹۹۹۱۲	۵۴۹۸۹۴	۸۵۲۲
۱۳۵۵	۲۹۸۴۶۰۲	۳۵۵۵۶	۱۷۰۴۴۲۲	۴۰۹۴۱	۶۱۳۸۱۶	۵۸۶۸۶۹	۱۹۹۸
۱۳۶۵	۳۳۲۲۳۵۷	۱۱۲۹۵۶	۲۳۳۵۱۱۳	۶۳۰۶۲	۲۹۱۸۲۵	۳۷۵۵۴۳	۶۲۹۵۸
۱۳۷۵	۳۳۱۵۶۰۱	۱۳۲۲۰۰	۲۱۱۹۹۶۵	۳۹۵۱۲	۶۲۷۶۵۳	۳۲۰۰۴۵	۷۶۲۲۶
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	۱/۱	۵۳/۴	۰/۳	۲۷/۵	۱۶/۵	۰/۳
۱۳۴۵	۱۰۰	۱/۴	۵۷/۸	۰/۳	۲۳/۹	۱۶/۴	۰/۲
۱۳۵۵	۱۰۰	۱/۲	۵۷/۱	۱/۴	۲۰/۶	۱۹/۶	۰/۱
۱۳۶۵	۱۰۰	۳/۵	۷۲	۲	۹	۱۱/۵	۲
۱۳۷۵	۱۰۰	۲/۶	۶۲/۱	۱/۴	۱۸/۴	۱۲/۳	۲/۲
فشر بندگی	بالا	متوسط سستی	متوسط جدید	پایین	متوسط سستی		

در گروه «کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان» کلیه کارگران مشاغل تولیدی صنعتی جدید و سنتی و خدماتی و متصدیان دستگاه‌ها و کارگران و کارکنان حمل و نقل و همچنین رانندگان کلیه وسایل حمل و نقل قرار دارند. با توجه به محدودیت سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، کارفرمایان این گروه در قشر متوسط سنتی قرار می‌گیرند و سایر موقعیت‌های شغلی متعلق به قشر کارگری و پایین است (جدول شماره ۹).

در سرشماری‌های انجام شده بخش عمده کارکنان مشاغل گروه‌بندی نشده را کارکنان نیروهای مسلح تشکیل می‌دهند. افزون بر آن‌ها، کسانی که شغل خود را اظهار نکرده‌اند یا نادقیق اظهار کرده‌اند در این گروه هستند. کارفرمایان این گروه عمده شغلی در قشر بالا و کارکنان مستقل که درصد کمی هم داشته‌اند، در قشر متوسط سنتی جای می‌گیرند. مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی را در قشر متوسط جدید جای می‌دهیم، چون بخش عمده نظامیان چنین وضعیتی دارند. البته به دلیل تفاوت درجه و موقعیت نظامیان در این قشر هم‌پوشی صورت گرفته است اما، تأکید ما بر اکثریت نظامیان است. مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی در قشر پایین و کارکنان خانوادگی بدون مزد در قشر متوسط سنتی قرار می‌گیرند (جدول شماره ۱۰).

جدول ۹. توزیع کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده	جمع بدون کارفرمایان
۱۳۳۵	۱۲۳۵۲۰۵	۱۷۷۲۷	۳۰۰۵۰۵	۱۱۷۴۵۰	۵۵۹۲۴۲	۳۲۳۹۷	۷۸۱۲	۱۲۱۷۴۷۸
۱۳۳۵	۲۰۶۲۰۲۲	۴۴۴۵۷	۴۲۸۴۰۷	۹۷۵۷۹	۱۳۵۲۸۹۹	۱۳۲۶۷۲	۳۰۰۸	۲۰۱۵۵۶۵
۱۳۵۵	۳۳۰۸۶۷۴	۶۶۳۸۹	۵۹۱۹۱۲	۳۰۸۶۴۵	۱۹۱۹۱۰۸	۴۱۸۱۶۹	۳۳۵۲	۳۲۴۲۱۸۷
۱۳۶۵	۳۴۳۳۲۲۹	۱۲۸۲۰۳	۱۳۱۲۲۸۴	۶۹۰۵۲۱	۱۲۷۳۶۰۲	۸۰۲۵۳	۱۳۸۳۶۵	۳۳۹۵۰۲۶
۱۳۷۵	۵۳۳۳۱۸۸	۲۱۳۷۵۸	۱۵۹۶۷۲۱	۶۵۶۲۴۲	۲۵۸۴۷۵۱	۲۵۲۸۴۱	۱۳۶۸۷۵	۵۲۲۹۳۳۰
درصد:								
۱۳۳۵	۱۰۰	۱/۳	۲۲/۵	۸/۸	۶۴/۳	۲/۴	۰/۶	۹۸/۶
۱۳۳۵	۱۰۰	۲/۳	۲۰/۸	۴/۷	۶۵/۶	۶/۴	۰/۲	۹۷/۷
۱۳۵۵	۱۰۰	۲	۱۷/۹	۹/۳	۵۸	۱۲/۶	۰/۲	۹۸
۱۳۶۵	۱۰۰	۲/۸	۳۶/۱	۱۹	۳۵/۱	۲/۲	۲/۸	۹۶/۲
۱۳۷۵	۱۰۰	۳/۹	۲۹/۳	۱۲/۱	۳۷/۵	۴/۷	۲/۵	۹۶/۱
قشر بندی		متوسط سنتی		پایین				

جدول ۱۰. توزیع کارکنان گروه بندی نشده و نامشخص بر حسب وضع شغلی (کل کشور)

سال	جمع شاغلان	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	اظهار نشده
۱۳۳۵	۲۱۴۴۰۱	۵۱۱	۱۸۱۴	۵۱۷۵۱	۶۲۵۵۷	۳۷۶۴	۹۴۰۰۴
۱۳۳۵	۲۶۷۸۵۹	۱۹۴۱	۹۶۳۲	۱۶۷۳۵۵	۳۴۴۱۸	۱۵۴۹۵	۳۳۹۱۸
۱۳۵۵	۴۴۴۱۵۷	۱۵۳۰	۳۷۶۲	۳۹۵۵۷۵	۲۱۰۹۶	۷۷۲	۲۰۹۲۱
۱۳۶۵	۱۴۳۲۶۷۹	۱۶۲۳۶	۷۱۶۱۱	۱۱۲۵۴۵۰	۵۶۷۳۳	۸۲۸۱	۱۵۳۳۵۸
۱۳۷۵	۱۳۰۵۳۵۸	۱۱۸۳۶	۷۵۴۹۰	۹۹۹۲۵۹	۱۷۸۰۵۰	۱۳۱۵۱	۲۶۳۷۲
درصد:							
۱۳۳۵	۱۰۰	-۲	-۹	۲۴/۱	۲۹/۲	۱/۸	۴۳/۸
۱۳۳۵	۱۰۰	-۷	۳/۶	۶۰/۳	۱۶/۷	۵/۹	۱۲/۸
۱۳۵۵	۱۰۰	-۳	۱	۸۹/۱	۴/۷	۰/۲	۴/۷
۱۳۶۵	۱۰۰	۱/۱	۵	۷۸/۷	۲/۹	۰/۶	۱۰/۷
۱۳۷۵	۱۰۰	-۹	۵/۸	۷۶/۶	۱۳/۶	۱/۱	۲
قشر بندی		متوسط سنتی		متوسط جدید		پایین	
		متوسط سنتی				متوسط سنتی	

با جمع‌بندی آنچه که در جداول شماره ۱ تا ۱۰ نشان داده شد و توصیف آن‌ها، شاغلان کشور در سرشماری‌های پنج‌گانه را می‌توان در سه دسته کلی قشربندی کرد:

یکم: قشرهای بالا، شامل:

کارفرمایان در گروه‌های عمده شغلی «مشاغل علمی، فنی و تخصصی»، «مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری»، «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان - دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص».

دوم: قشرهای متوسط:

الف. قشرهای متوسط سنتی شامل:

۱. کارکنان مستقل و کارکنان خانوادگی بدون مزد در گروه‌های عمده «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان - دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص».

۲. کارفرمایان در گروه عمده «کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان».

ب. قشرهای متوسط جدید، شامل:

۱. کارکنان گروه عمده «مشاغل علمی، فنی و تخصصی» به استثنای کارفرمایان.

۲. کارکنان گروه عمده «مدیران و کارمندان عالی‌رتبه» به استثنای کارفرمایان.

۳. گروه عمده شغلی «کارمندان اداری و دفتری و مشابه».

۴. مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی در گروه‌های عمده شغلی «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی و فروش»، «کشاورزان - دامداران»، «کارکنان امور خدماتی» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص».

سوم: قشرهای کارگری و پایین، شامل:

۱. مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی در گروه‌های عمده شغلی «فروشنندگان و کارکنان بازرگانی»، «کارکنان امور خدماتی»، «کشاورزان - دامداران» و «کارکنان گروه‌بندی نشده و نامشخص».

۲. گروه عمده «کارگران مشاغل تولیدی و رانندگان» به استثنای کارفرمایان این گروه.

تحولات قشربندی اجتماعی کشور در این سال‌ها در جدول شماره ۱۱ نشان داده شده است:

جدول ۱۱. ساختار قشریندی اجتماعی ایران در سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ بر اساس وضع شغلی در گروه‌های عمده شغلی

قشریندی / سال	جمع شاغلان ^۱	بالا	متوسط سنتی	متوسط جدید	کارگری و پایین
قراوانی:					
۱۳۳۵	۵۹۰۷۶۶۶	۵۰۹۰۸	۲۶۷۲۷۲	۳۰۵۲۹۶	۲۶۷۵۹۹۹
۱۳۴۵	۷۱۱۵۷۸۷	۱۰۲۶۷۶	۳۰۱۱۷۱۹	۶۹۲۲۳۶	۳۲۶۵۷۱۶
۱۳۵۵	۸۷۹۹۳۲۰	۱۱۳۲۰۵	۲۸۳۷۵۳۰	۱۶۴۳۷۶۳	۴۱۷۰۹۹۲
۱۳۶۵ ^۲	۱۱۰۰۱۵۵۱	۱۸۸۹۲۷	۳۶۰۶۵۵۶	۲۹۸۸۳۰۰	۳۰۰۰۴۵۲
۱۳۷۵	۱۳۵۷۱۵۷۲	۲۹۶۸۴۸	۳۷۴۹۱۳۰	۳۸۴۶۵۳۳	۶۵۷۶۳۳۲
درصد:					
۱۳۳۵	۱۰۰	۰/۹	۴۵/۳	۶/۹	۴۵/۳
۱۳۴۵	۱۰۰	۱/۴	۴۲/۳	۹/۷	۳۵/۹
۱۳۵۵	۱۰۰	۱/۳	۳۲/۳	۱۸/۷	۳۷/۳
۱۳۶۵	۱۰۰	۱/۷	۳۲/۸	۲۷/۱	۳۶/۳
۱۳۷۵	۱۰۰	۲	۲۵/۷	۲۶/۳	۴۵/۱

۱. تفاوت جمع سطرها با جمع شاغلان به علت محاسبه نشدن ستون «ناظر نشده» جداول ۸ و ۱۰ است.

۲. نسبت‌ها در سرشماری ۱۳۶۵ به‌ویژه در قشر کارگری و پایین و متوسط جدید با روند نسبت‌ها در دیگر سرشماری‌ها هم‌خوانی ندارد که پیش از این نیز علت آن را انجام این سرشماری در شرایط ویژه دانستیم.

شمار افراد قشرهای بالا در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ نزدیک به ۶ برابر و نسبت آن‌ها به کمی بیش از ۲ برابر افزایش یافته است، ضمن این‌که در خود این قشر جایگزینی زیادی صورت گرفته است، بخشی به کلی از این قشرها و حتی از کشور خارج شده و کسانی از قشرهای دیگر به‌ویژه قشرهای متوسط، در سال‌های پس از انقلاب، به این رده ارتقا یافته‌اند. بنابراین ویژگی‌های فرهنگی این قشرها نیز در معرض تحولاتی اساسی بوده است.

قشرهای متوسط سنتی در این سال‌ها اگرچه از نظر تعداد افزایش یافته‌اند اما نسبت آن‌ها در جمعیت شاغل کل کشور کاهش چشمگیری داشته و از ۴۵/۳ درصد به ۲۵/۷ درصد رسیده است. آن بخش از قشرهای متوسط که در روستاها ساکن بوده‌اند بیشتر به گروه شغلی کشاورزی-دامداری تعلق داشته و شامل دهقانان میانه‌حال، خرده‌مالکان روستایی و مانند آن‌ها بوده است که در قشرهای متوسط سنتی جای داده شدند و نسبت درصد آن‌ها در میان شاغلان روندی کاهشی داشته است (جدول شماره ۲). اما قشر متوسط سنتی ساکن شهرها بیشتر شامل کسبه، پیشه‌وران، مغازه‌داران و تجار خرده‌پای بازار هستند که تعداد و سهم آن‌ها کاهش نیافته

است. بنابراین در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان گفت که قشرهای متوسط جدید عمدتاً ساکن مناطق شهری بوده‌اند و از قشرهای متوسط سنتی، بخش دهقانی آن در روستا و بخش خرده‌بورژوازی آن بیشتر در شهرها سکونت داشته‌اند.

قشرهای متوسط جدید، برخلاف قشرهای متوسط سنتی، سهمی رو به تضاعد در کل شاغلان کشور داشته‌اند، از نظر تعداد بیش از ۹ برابر شده و نسبت آن‌ها نیز از ۶/۹ درصد به ۲۶/۴ درصد رسیده و بیش از سه و نیم برابر شده است.

پیدایش و رشد قشرهای متوسط جدید در کشورهای توسعه‌یافته، دستامد تغییر تدریجی نظام اجتماعی آن‌ها از مرحله پیش از سرمایه‌داری به نظام سرمایه‌داری و تبدیل اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به تولید صنعتی بود که طی آن واحدهای تولیدی کوچک و پیشه‌وری به کارخانه‌های بزرگ تبدیل شدند، هم‌زمان با آن کلان‌شهرها به وجود آمدند و دیوان‌سالاری و تخصص‌های علمی و صنعتی گسترش یافت. اما در کشورهای توسعه‌نیافته‌ای مانند ایران مدرنیزاسیون و غربی شدن توسط حاکمیت‌ها و از بالا صورت گرفت. چنان‌که در مقدمه این مقاله آمد، اقدام به مدرن‌سازی ایران در دوران پهلوی اول و توسط دولت به‌طور جدی و پیگیر آغاز گردید. پیامد آن توسعه دیوان‌سالاری دولتی و خصوصی و ایجاد مؤسسات تمدنی جدید و ورود صنایع بزرگ و توسعه صنعت نفت بود. همگام با آن مؤسسات آموزشی از ابتدایی تا عالی در همه نقاط کشور گسترش یافت. بدین ترتیب فرزندان قشرهای مختلف شهری و روستایی که احتمالاً بخش قابل توجهی از آنان از قشرهای متوسط سنتی برخاسته بودند، در آموزشگاه‌های جدید به تحصیل پرداختند و سپس در مؤسسات دیوانی، صنعتی و تجاری جدید استخدام شدند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که پیدایش قشرهای متوسط جدید دستامد یک آگاهانه حکومتی و تا حدی وارداتی بوده است. این روند پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ نسبت این قشرها از ۱۸/۷ در صد کل قشرهای اجتماعی به ۲۶/۴ افزایش یافته است.

توسعه اقتصاد سرمایه‌داری و گسترش شهرنشینی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذاری داشته است. قشرهای متوسط جدید در این تحولات نقش اساسی داشته‌اند. برخی از جامعه‌شناسان بر آنند که این نیروی اجتماعی از آن‌جا که مدرنیزاسیون را در درون خود نهفته دارد، پیام‌آور نوگرایی در کشورهای جهان سوم است (ادیبی ۱۳۵۸: ۴۱-۴۷). از جمله اثرات گسترش این قشر در جامعه شهری تحول در ساختار و بعد خانواده است و بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گرایش چشمگیر جامعه شهری ایران به کوچک کردن بعد خانواده و در پی آن کاهش رشد جمعیت پیش از همه و بیش از همه در این قشرها به‌وجود آمده است. شیوه زندگی این

قشرها ایجاب می‌کند که فرزندان کمتری داشته باشند تا به تربیت و پیشرفت‌های آنان توجه بیشتری کنند.

در قشر کارگری و پایین، شمار آن دو و نیم برابر شده اما نسبت آن در کل شاغلان تغییری نکرده است. تغییرات این قشر، احتمالاً بیشتر کیفی و در جهت افزایش کارگران صنعتی جدید و کاهش کارگران بخش کشاورزی و فعالیت‌های سنتی بوده است.

جمع‌بندی

۱. آمارها نشان‌دهنده تحولات کمی و کیفی در ساختار قشریندی اجتماعی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ است.

۲. تحولات اقتصادی-اجتماعی کشور در این سال‌ها یعنی افزایش درآمد نفت و سهم آن در مازاد اقتصادی کشور و مالکیت دولت بر آن، که باعث رشد دیوان‌سالاری و شمار کارکنان دولت شده است، گسترش شهرها و مؤسسات تمدنی جدید، مؤسسات آموزشی، صنایع و فعالیت‌های علمی، صنعتی و نظایر آن به افزایش مشاغل مرتبط با آن‌ها و در پی آن، به افزایش شمار و نسبت قشرهای متوسط جدید انجامیده است. این افزایش خود عامل تغییرات اجتماعی-فرهنگی و همچنین تحولات جمعیتی چشمگیری شده است.

۳. تغییر در کل قشرهای متوسط (اعم از سنتی و جدید) کیفی بوده است؛ افزایش نسبت قشرهای متوسط جدید با کاهش نسبت قشرهای متوسط سنتی هماهنگ بوده، به گونه‌ای که نسبت کل قشرهای متوسط در همه سرشماری‌ها (به استثنای سرشماری ۱۳۶۵ که درباره آن توضیح داده شد) تقریباً ثابت و حدود ۵۲ درصد کل شاغلان بوده است (جدول شماره ۱۱).

۴. نسبت قشرهای کارگری و پایین نیز در این سال‌ها تقریباً ثابت و حدود ۴۵ درصد کل شاغلان بوده است. تفکیک قشرهای کارگری و پایین و حاشیه‌ای و همچنین کارگران بخش‌های سنتی و جدید با مراجعه به جزییات جداول سرشماری امکان‌پذیر است که خود پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد.

منابع

آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

ادیبی، حسین (۱۳۵۴) *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی*، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ادیبی، حسین (۱۳۵۸) *طبقه متوسط جدید در ایران*، تهران، انتشارات جامعه.

- استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- اشرف، احمد (۱۳۴۰) قشرهای درآمد در ایران و ملاک درآمد در تعیین طبقات اجتماعی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- اشرف، احمد (۱۳۴۶) جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در آمریکا، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- اشرف، احمد و بنوعیزی، علی (۱۳۷۲) «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، ترجمه عماد افروغ، راهبرد، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۰۲-۱۲۶.
- باتامور، تی. بی. (۱۳۶۷) طبقات اجتماعی در جوامع جدید، ترجمه اکبر مجدالدین، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۵) «نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی ایران معاصر»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- بورديو، پی یر (۱۳۸۰) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار.
- تأمین، ملوین (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، نظری و کاربردی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- گرب، ادوارد ج. (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاه‌پوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران، نشر معاصر.
- گوروویچ، ژرژ (۱۳۵۷) مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، کتاب‌های جیبی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ الف) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ ب) سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مارکس، کارل (۱۳۸۳) فقر فلسفه، ترجمه آرتین آراکل، تهران، اهورا.
- مارکس، کارل و انگلس، فردریک (۱۳۸۰) لودویک فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی، تهران، نشر چشمه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۶) سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه ۱۳۴۵، جلد ۱۶۸، کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۹) سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه ۱۳۴۵، متمم نشریه ۱۶۸، جلد ۱۷۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۹) سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه ۱۳۵۵، کل کشور (شماره ۱۸۶).
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷) نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵ کل کشور، شماره ۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶) سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی کل کشور.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۸۲) «تغییر ساختار طبقاتی اجتماعی در دوران قبل از انقلاب اسلامی (دوران پهلوی) و بعد از انقلاب تا ۱۳۷۵»، در ایدئولوژی و رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی. جلد دوم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- مندراس، هانری و گوروویچ، ژرژ (۱۳۵۴) میانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، سیمرغ.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴) اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی.

وزارت کشور، اداره آمار عمومی (۱۳۴۰) گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵، جلد دوم، مشخصات جمعیت و خانوار.

- Ashraf, Ahmad (2003) "Classes in Pablavi Period", Retrieved 2003/10/23, From: www.Iranika.
- Bill, James A. (1972) *The Politics of Iran: Groups, Classes, and Modernization*, Columbus, Ohio: Merrill.
- Dahrendorf, Ralf (1969) *Class and Class Conflict in Industrial Society*, London: Routledge & Kegan.
- Freund, Julian (1972) *The Sociology of Max Weber*, Aylesbury, G.B. Penguin.
- Giddens, Anthony (1978) *Capitalism and Modern Social Theory*, Cambridge, University Press.
- Haralambos, M. and Holborn, M. (2000) *Sociology*, London: Collins.
- Kerbo, Harold R. (2002), *Social Stratification and Inequality*, N.Y. McGraw-Hill.
- Kupper, Adam & Kupper, Jessica (Eds.) (1999) *The Social Science Encyclopedia*, N.Y.: Routledge.
- Marshal, Gordon (1998) *Oxford Dictionary of Sociology*. N.Y.: University Press.
- Matras, Judah (1984) *Social Inequality, Stratification and Mobility*, N.J. Prentice Hall.
- Nisbet, Robert A. (1974), *The Sociology of Emile Durkheim*. N.Y.: Oxford University Press.
- Wright, Erik Olin (1999) "Foundations of Class Analysis: A Marxist Perspective", paper presented at the panel of "The Foundation of Class Analysis", The Annual Meeting of the American Sociological Association, Chicago, August (1999), Retrieved 5/10/2007 from: www.ssc.edu/-wirght.
- Wright, Erik Olin (2000) Class Explanation and Economic Rents: Reflections on Sorensen's "Toward a Sounder Basis for Class Analysis", Retrieved 5/10/2005, From: www.ssc.edu/-Wirght.